

یک سرمقاله متفاوت اما واقعی



ما برای نوشتن سرمقاله هر شماره، با هم صحبت می‌کنیم و بر اساس مسائل روز یا محتوای گزارش‌ها و مطالب نشریه، سرمقاله می‌نویسیم. برای سرمقاله این شماره همکاران این پیام را فرستادند تا براساس آن سرمقاله بنویسیم:

« با توجه به گفتگوهای این شماره با اکثر تولیدکنندگان، بیان می‌کردند شرایط به گونه‌ای است که حتی نمی‌توانیم برای فردایمان برنامه‌ریزی کنیم، و ما در بیشتر سرمقاله‌هایمان بر ضرورت برنامه‌ریزی تاکید داشتیم، حال با توجه به وضعیتی که در بازار واقع شده، چه توصیه‌ای می‌توانیم برای مخاطبان نشریه داشته باشیم. همه از نوسان شدید قیمت‌ها و اینکه دیگر نمی‌توانیم برای آینده برنامه‌ریزی کنیم گله‌مند بودند.»

در این سرمقاله باید به صراحت گفت که راه حل ماندن در این شرایط، برنامه‌های کوتاه مدت، حتی هفتگی است. در این سرمقاله باید گفت که ابتکار و خلاقیت‌های فردی در این شرایط خیلی مهم است. اگر با جامعه‌ای مواجه بودیم که افراد حاضر بودند به نفع جمع عمل کنند شاید می‌شد پیشنهاد مشارکت در قالب نهادهای صنفی را داد. اما تجربه نشان داده که چنین چیزی تقریباً امکانپذیر نیست. به نظرم در این سرمقاله شاید لازم باشد علاوه بر گفتن این موارد یک چیز دیگری را هم نوشت. باید نوشت که در دوران‌های بحران و ناپایی، قیمت خیلی چیزها بالا می‌رود، مثل مواد اولیه، مثل دستمزد مثل قطعات یا هزینه اجاره. اما علاوه بر آنها در این شرایط قیمت چیزهای دیگری هم بالا می‌رود؛ مثل شرافت، مثل انسانیت، مثل مردانگی و مروت، مثل وفای به عهد. مراقب باشیم اینها را ارزان نفروشیم چون فردایی هم هست.

و اما پاسخ من

با خیلی چیزها در زندگی می‌توان شوخی کرد یا آن را نادیده گرفت اما در مورد واقعیت نمی‌توان این کار را کرد. اگر چشمان خود را ببندیم هم، واقعیت خود را به روشنی نشان می‌دهد. واقعیت امروز ما می‌گوید